

زیرا که هر دو مجموع را بر آید نصف مجموع خواهد بود و منطبق غیر منطبق مثل
 پنج و هفت و امثال آنها **منطق** از فردا هم است من و چه صورت است
 مثل پنج و هفت و صورت افراق مثل زیاده که غیر منطبق است مثل
 چهار و شش که منطبق غیر فرد است **اصول** از فردا هم منطبق است زیرا که هم
 غیر فرد و نسبت **و اصل** از فرد اول هم من و چه صورت است جمع مثل زیاده
 و سه و ده و صورت افراق مثل سه و پنج که فرد اول غیر هم است مثل
 یکصد و چهل و یک که هم است غیر فرد اول زیرا که او را میزده و سه
 نیز نمیکنند و **منطق** **تقسیم** تا کنی ناقص در دویم زیاد بر سه مساوی باشد
 عدد عدوی را که میزند مجموع کسور معینه هر یک از آن اعداد باشد مثل
 که کسور معینه وی نصف در ربع و ثمن است که آن چهار دو یک است
 که مجموع هفت میشود که از ثمن و ثمنین نه و ده عدد ناقص است **اصول**
 عدوی را که میزند مجموع کسور معینه وی را میزند آن اعداد باشد مثل او را که
 کسور معینه وی نصف و ثلث و ربع و سدس و لصف سدس است
 مجموع وی شش نوزده می شود و مثل است چهار که مجموع کسور معینه می شود
 می شود که بعد از نصف از اصل زیاده است و کثیر را نیز شدن خاصه این

کسور از این نوع است

عددان

عدداست چنانچه دو پنجاه و پنج است مجموع کسور معینه عدد یکصد و بیست
 فاصه است زیرا که کسور معینه اول نصف و ثلث و ربع و سدس و سس
 و شش و عشار و لصف السس و ثلث الحش و لصف العشر و ثلث الحش
 و ثلث العشر و ربع العشر و لصف ثلث العشر و لصف سدس العشر
 که اینها ۶ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۵ و ۲۰ و ۲۴ و ۳۰ و ۳۶ و ۴۰ و ۴۵ و ۶۰ و ۷۲ و ۹۰ و ۱۰۸ و ۱۲۰
 و ای شود و مجموع اینها دو صد و چهل عدداست که در یک صد و
 بیست است اما عدوس وی عددی را که میزند مجموع کسور معینه وی یک
 در برابر آن عدداست و این را عدد تام نیز گویند مثل شش که کسور
 معینه وی نصف و ثلث و سدس است مجموع جان شش است
 و مراتب اعداد که حاد و عشرات است و الون و غیر آن باشد
 در هر مرتبه از مراتب اعداد عدد تام را میزند یکسوی باشد
 چنانچه در مرتبه اعداد شش است و در مرتبه عشرات است و در مرتبه
 و در مرتبه مائت چهار صد و نود و شش و در مرتبه الون
 هزار و یکصد و بیست و هشت است و علی هذا القاس و شاید
 در اول است که در هیچ مرتبه از مراتب اعداد عدد تام معین نمی شود

یکدیگر را نیز از این نوع است
 و چند از این اعداد است

فاصه است مجموع آن اعداد